

تحلیل و بررسی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر اقتصادی با رویکرد مصون سازی در منظومه پدافند غیرعامل

محمد نعمتی

استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ایران.

m.nematy@isu.ac.ir

یاسر سلیمانی

مدیر گروه اقتصاد دفاعی پژوهشکده امنیت اقتصادی تدبیر، تهران، ایران.

y.soleymani@tier.ir

محمد رضا کابینی

مریی و عضو گروه پدافند اقتصادی مرکز مطالعات راهبردی پدافند غیرعامل، تهران، ایران.

mohmadrezakaeni@chmail.ir

سعید فولادی

دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ایران.

s.fooladi313@gmail.com

چکیده

مسئله اصلی مقاله حاضر، تحلیل و نقد تدابیر اقتصادی سند الگوی پایه پیشرفت از منظر پدافند اقتصادی و ارائه راهکارهای جایگزین و مکمل برای تحقق اهداف پدافند اقتصادی در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است؛ از این رو، در ابتدا با روش توصیفی تحلیلی با رویکرد انتقادی به بهره‌گیری از نقدهای کارشناسی ناظر به کلیات تدابیر سند پایه الگو، به بررسی و تحلیل آن دسته از تدابیر اقتصادی پرداخته شده است که زمینه مصونیت بخشی اقتصاد کشور از تهدیدهای داخلی و خارجی را فراهم نخواهد کرد. بعد از طرح این تدابیر و استفاده از نقدهای ناظر

• این مقاله با هماهنگی دبیرخانه دائمی کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی در نشریه مطالعات امنیت اقتصادی، شماره اول، پاییز ۱۳۹۹ منتشر شده است.

به آن، پیشنهاد‌های جایگزین و یا مکمل برای تحقق اهداف پدافند اقتصادی در چهارچوب زمانی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه و تحلیل شده است. در نهایت، تدابیر پیشنهادی با مؤلفه‌های اصلی حاکم بر اقتصاد مقاومتی تطبیق داده شده است. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که اکثر تدابیر سند الگو فاقد ارائه راهکار سیاستی در حوزه‌های مختلف اقتصادی است؛ همچنین، با در نظر نگرفتن نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد کشور در بلندمدت، زمینه‌های مصون‌سازی اقتصادی کشور را فراهم نخواهند کرد. بر این اساس، در این مقاله سعی بر آن است که با اصلاح این دسته از تدابیر، اهداف و سیاست‌های نظام حکمرانی اقتصادی در چهارچوب زمانی سند الگوی اسلامی ایرانی اتخاذ و ارائه شود و با استفاده از حاکم‌بودن مؤلفه‌های اصلی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر تدابیر پیشنهادی، اقتصاد کشور از بحران‌های داخلی و تهدیدهای خارجی مصون بماند.

کلیدواژه‌ها: تدابیر الگو، مصون‌سازی اقتصادی، پدافند اقتصادی، حکمرانی اقتصادی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.

مقدمه

انقلاب اسلامی با ادعای ارائه راهی نو در مسیر حیات اجتماعی ایرانیان پا به عرصه وجود گذاشته و با همه فراز و نشیب‌های چهل‌ساله گذشته و با شعار نه شرقی و نه غربی ادامه حیات داده است. در این مسیر علی‌رغم دشمنی‌های وحشتناک و کینه‌توزانه بی‌نظیر دشمنان به موفقیت‌های نسبی هم نائل آمده است، اما مسیر طی شده نسبت به آنچه مطلوب است در حد بسیار کم ارزیابی می‌شود. ادامه این مسیر مقدس و رسیدن به مرحله دولت اسلامی، که خود زمینه تحقق آرمان تمدن نوین اسلامی است، بدون وجود الگویی برای اداره و تمشیت امور کشور امکان‌پذیر نخواهد بود؛ از این رو، برنامه‌ریزی برای تهیه چنین نقشه‌ای، امید به تداوم انقلاب اسلامی را زنده‌تر و دشمنان آن را مأیوس‌تر خواهد کرد.

یکی از ملاحظات اساسی در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت هر کشور، توجه امنیتی-دفاعی در عرصه‌های مختلف پیشرفت آن کشور است. سند پایه الگو به‌عنوان برنامه بلندمدت پیشرفت کشور باید این ملاحظه اساسی را، که بدون آن دسترسی به اهداف سند دچار مشکل خواهد شد، رعایت کرده باشد. پدافند غیرعامل به‌عنوان رویکردی که در این حوزه مطرح می‌شود برطبق سیاست‌های

ابلاغی مقام معظم رهبری این‌گونه تعریف می‌شود: «مجموعه اقدامات غیر مسلحانه‌ای که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹). بررسی سند الگوی پایه از حیث پدافند غیرعامل، نگاهی است که برطبق آن مؤلفه‌های پدافند غیرعامل در تعریف بالا، باید در کل سند رعایت شده باشد؛ به طوری که اجرای این سند آسیب‌پذیری کشور در مقابل تهدیدهای دشمن را کاهش دهد و موجب تقویت مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران شود. متأسفانه در سال‌های اخیر عرصه اقتصاد به‌عنوان یکی از عرصه‌های مهم پیشرفت کشور، مورد هجوم و تحریم‌های ظالمانه قرار گرفته است. با توجه به همین امر، این حوزه بیش از سایر حوزه‌ها نیازمند وجود رویکردی پدافندی در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت است. اقتصاد، به‌عنوان یکی از حوزه‌های مهم علوم انسانی و رکن مهم سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نیازمند درک صحیحی از آن است. تحقق تعریف پدافند اقتصادی در حوزه اقتصادی نیازمند درک صحیحی از علم اقتصاد به‌عنوان شاخه‌ای از علوم انسانی است. انقلاب اسلامی که داعیه هدایت و راهبری انسان‌های آزاد جهان به سمت سعادت حقیقی را دارد، باید بتواند تعریفی دقیق از مبانی و اهداف علوم انسانی حقیقی را ارائه دهد؛ اقتصاد اسلامی، به‌عنوان تعریفی از شاخه‌ای از علوم انسانی، مبین این نکته خواهد بود. پدافند اقتصادی باید از اهداف اقتصاد اسلامی به‌مثابه یگانه راه سعادت انسان‌ها در تعاملات اقتصادی حفاظت کند.

بنابراین، در این مقاله سعی شده است با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به همراه رویکرد انتقادی به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر تحلیل تدابیر اقتصادی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر پدافند اقتصادی پرداخته شود؛ به عبارت دیگر، سعی شده است موضوعات اقتصادی این سند از حیث ملاحظات دفاعی-امنیتی با برش پدافند غیرعاملی مورد بررسی و نقد قرار گیرد و مجموعه تدابیری اتخاذ شود که اقتصاد کشور را در برابر موانع و تهدیدهای درونی و بیرونی حفظ کند.

پیشینه تحقیق

تعداد پژوهش‌هایی که تدابیر الگوی اسلامی را از منظر پدافند اقتصادی بررسی کرده‌اند اندک است. پژوهش‌های موجود را می‌توان به دو دسته نقد و بررسی کلیات تدابیر و بررسی موضوعی تدابیر از منظر اقتصادی تقسیم کرد. اما تحلیل و بررسی آن‌ها از منظر پدافند اقتصادی، که در این مقاله انجام شده است، امری بدیع به‌شمار می‌آید.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی با عنوان ارزیابی سند پایه‌الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸) به تحلیل و بررسی سند پایه‌الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخته است. در این گزارش به عدم رابطه شفاف و مشخص بین مبانی و تدابیر الگویا به عبارت دیگر، نبود پیوند خطی میان مبانی و تدابیر اشاره می‌شود و در آن آمده است: «تلقی نویسنده/ نویسندگان سند الگو از این برداشت‌ها این بوده که رابطه‌ای شفاف، مشخص، بدون ابهام از این ارتباط بین مبادی با نظام تدابیر در هر مکتب وجود دارد؛ در حالی که رابطه مبادی و مبانی علوم با خود علوم نه از نوع رابطه‌ای خطی و مکانیکی، بلکه بسیار پیچیده و غامض است. اینکه وجود و ذهن‌های ما در علوم اجتماعی تدابیر و نظریات متفاوت در یک موضوع اتخاذ می‌کنند به راحتی و با توسل به جزوه اصول عقاید تبیین نمی‌شود؛ چراکه در همان دنیای مدرن الگوی مارکس با الگوی اسمیت متفاوت متزاحم و حتی متعارض است، الگوی کینز با الگوی هایک به همین شکل و... است». بر طبق این نقد نمی‌توان انتظار داشت راهکارهایی برای تحقق مبانی مذکور به ذهن متبادر شود و تدابیر اقتصادی سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، اقدامات عملیاتی در جهت مصون‌سازی اقتصاد کشور برگرفته از مبانی انسان‌شناسی اسلامی از تهدیدات خارجی و داخلی ارائه دهند؛ بنابراین، مجموعه تدابیر اقتصادی از بخش مبانی الگو مجزافرض می‌شود و فارغ از آن، از منظر سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل نقد و بررسی می‌شود. همچنین، دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها در حوزه مفاهیم پدافندی و امنیت قرار می‌گیرند و بیشتر جنبه سیاسی به خود دارند؛ برای مثال، حاجی ناصری و کرد (۱۳۹۶: ص ۱۰) با تشریح الگوی توسعه‌نئولیبرالیسمی در ایران با تأکید بر جنبه سیاسی آن بیان می‌دارند: «امنیت اقتصادی تضمین‌کننده حقوق شهروندی و به خصوص حقوق اقتصادی اجتماعی شهروندان است و این نیز منوط به کسب و انتخاب الگوی توسعه متعادل است که توأمان به عدالت و پیشرفت توجه داشته باشد». برزگر (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «امنیت هویت پایه و عدالت پایه» به نحوه جمع مفاهیم امنیت و عدالت در اندیشه اسلامی می‌پردازد؛ اما همان‌طور که بیان شد، هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین رویکرد نوآورانه و بدیع این پژوهش مبنی بر تحلیل و بررسی پدافندی تدابیر اقتصادی الگوی پایه را مدنظر قرار نداده‌اند.

بنابراین، در ادامه پژوهش سعی شده است به تشریح رویکرد نوآورانه پژوهش پرداخته شود. برای این امر در ابتدا با بهره‌گیری از انتقادهای کلی به تدابیر اقتصادی سند الگوی پایه به بازنویسی تدابیر اقتصادی پرداخته خواهد شد که تضمین‌کننده تحقق مفاهیم پدافند اقتصادی از قبیل

مصون‌سازی اقتصادی در پنجاه سال آینده کشور باشد.

نقدهای ناظر به اصل تدابیر

علاوه بر نبود پیوند خطی میان مبانی و تدابیر، که در بخش پیشینه مقاله ذکر شد، از جمله نقدهای ناظر به کلیات تدابیر، کج‌فهمی، درک ناقص و غیرکاربردی از معنای تدبیر است. تدابیر طبق سند الگوی پایه به معنای «تصمیمات و اقدامات اساسی و بلندمدت برای حل مسائل مهم کشور و شکوفاکردن قابلیت‌های ماندگار ملی به منظور رسیدن به افق است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). از این تعریف برمی‌آید که مجموعه تدابیر موجود در سند الگوی پایه باید برای دستیابی به افق سند، نقشه‌ای عملیاتی ارائه دهند و صرفاً به بیان اهداف و سیاست‌های کلی اکتفا نکنند. حال آنکه در برخی از تدابیر سند الگوی پایه به جای ارائه تدبیر مناسب، صرفاً بر ضرورت چاره‌اندیشی تأکید شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸: ص ۷).

بخش افق سند الگوی پایه ضمن بیان اهداف اقتصادی مانند دارا بودن یکی از ده اقتصاد بزرگ دنیا برای کشور در افق ۱۴۴۴، حوزه‌های مصون‌سازی اقتصاد از تهدیدهای خارجی و داخلی را نیز بیان می‌کند. حال آنکه تدابیر موجود در سند الگوی پایه متناسب با افق طراحی نشده‌اند و راهکارهایی برای دستیابی اهداف سند الگوی پایه پیشنهاد نمی‌دهند. برای مثال اگر به تدبیر ۲۰، که تعیین‌کننده اثرگذاری قواعد اسلامی در سیاست‌های مالی و اقتصادی است، نگریسته شود به کلی‌گویی این تدبیر پی برده می‌شود و هرگز نمی‌تواند حتی در زمینه یادشده اقتصادی راهگشا باشد، چه برسد به آنکه قابلیت نقد و بررسی اهداف پدافندی را داشته باشد.

این درحالی است که تفاوت الگوهای پیشرفت بیش از آنکه در اهداف باشد، در برداشت آن‌ها از اهداف و روش‌های تحقق اهداف است؛ به بیان دیگر، امروز حتی الگوهایی که در اروپا یا شرق آسیا پیاده می‌شود، در خصوص بخش زیادی از اهداف انسانی و عدالت‌خواهانه با ما اشتراک نظر دارند (و البته در پاره‌ای موارد اختلاف دارند)، مسئله آن است که آیا ما می‌خواهیم از همان روش به اهداف برسیم یا الگوی ارزشی و بومی خود را داریم؟ بخش‌های زیادی از تدابیر مندرج در سند الگو، چیزی نیست جز بیان هدف و قله، نه مسیر رسیدن به قله (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸: ص ۲۰) و اینجاست که جایگاه علوم انسانی به‌خوبی احساس می‌شود.

یکی دیگر از نقدهای موجود در تدوین تدابیر اقتصادی موجود در سند الگوی پایه، استفاده اندک از تجربه‌های پیشین سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های کلان کشور است. بررسی برنامه ششم

توسعه نشان می‌دهد که مؤلفه‌های اقتصادی برنامه از جامعیت و دقت بالایی نسبت به برخی از تدابیر اقتصادی سند الگوی پایه برخوردار است؛ به طوری که در اکثر آن‌ها مفاهیم پدافندی در حوزه اقتصادی به خوبی در نظر گرفته شده است و در نتیجه برای حل بحران‌های پیش روی اقتصاد کشور می‌توان از آن‌ها کمک گرفت (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸: ص ۱۸). متأسفانه با وجود این تجربه، در سند پنجاه‌ساله کشور از این سیاست‌ها حرفی به میان نیامده است و علاوه بر آن، آسیب‌پذیری اقتصاد کشور بعد از اجرای این سیاست‌ها نیز مورد تحلیل و ارزیابی قرار نگرفته است. برای مثال تدبیر ۲۴، مبنی بر استقلال بودجه دولت از درآمدهای نفتی بارها مورد تأکید برنامه‌های پنج‌ساله و سیاست‌های کلی مانند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی قرار گرفته است؛ در صورتی که در تدوین تدبیر ۲۴ آسیب‌شناسی برنامه‌های قبلی لحاظ نشده است. توجه به این نکته ضروری است که یک سند آینده‌نگار باید پس از آسیب‌شناسی روندهای گذشته، توصیه‌هایی برای مسیرهای آتی ارائه کند که بن‌بست‌های پیشین باقی نماند و بر سر الگوی پایه نیز همان نیاید که بر سر برخی اسناد بالادستی گذشته آمده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸: ص ۲۲).

وجود خلأهای حیاتی در سند پایه الگوی پیشرفت را می‌توان به‌عنوان آخرین نقد از تدابیر نام برد؛ برای مثال می‌توان از خلأهای زیر نام برد که وجود هر کدام، پیشرفت هر کشور را تحت الشعاع قرار خواهد داد. متأسفانه در سند پایه الگو، سیاست‌هایی جهت برطرف کردن این خلأها دیده نشده است.

- «رفع فقر و نابرابری‌های ناروا و انحصارها؛
- قراردادهای بازار کار و سهم‌بری عادلانه عوامل تولید؛
- الگوی تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی؛
- توجه به بحران بدهی‌های دولت؛
- نحوه پیوندهای اقتصادی و تجاری بین‌المللی» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸: ص ۸).

بازنویسی تدابیر اقتصادی با رویکرد پدافند اقتصادی

اقتصاد کشور در افق ۱۴۴۴ سند الگوی پایه این‌گونه توصیف شده است: «... از اقتصادی دانش‌بنیان، خوداتکا و مبتنی بر عقلانیت و معنویت اسلامی برخوردار و دارای یکی از ده اقتصاد بزرگ دنیاست. تا آن زمان، سلامت محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی و امنیت

غذایی با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم شده و کشف منابع، خلق مزیت‌ها و فرصت‌های جدید و وفور نعمت برای همگان با رعایت عدالت بین نسلی حاصل شده است. فقر، فساد و تبعیض در کشور ریشه‌کن شده و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر تأمین شده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

با توجه به اهداف اقتصادی ترسیم‌شده در افق پنجاه‌ساله آینده کشور، همچنین ضمن در نظر گرفتن تجربه سیاست‌های کلی نظام در سال‌های پس از انقلاب، در ادامه سعی شده است تدابیری پیشنهاد شود که منجر به تصمیمات و اقدامات اساسی پیش روی اقتصاد کشور در جهت تأمین امنیت خود در برابر انواع تهدیدهای خارجی و داخلی شود و علاوه بر پیشرفت اقتصادی کشور، مصون‌سازی آن در برابر انواع تهدیدها را به دنبال داشته باشد.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری دارای چند رویکرد اصلی است، به طوری که این رویکردها روح حاکم بر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را تشکیل داده‌اند و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی آینده را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. رویکردها و مؤلفه‌های اصلی مدنظر مقام معظم رهبری برای تحقق اهداف اقتصادی کشور در ابعاد مختلف اقتصادی عبارت‌اند از: دانش‌بنیان بودن، مدیریت جهادی، مردمی بودن، انعطاف‌پذیری در برابر شوک‌ها و تهدیدهای خارجی، برون‌نگر، درون‌زا، پیشرو، فرصت‌ساز و مولد.

از این رو، با توجه به نقدهای مطرح‌شده در قسمت قبل و با در نظر گرفتن افق سند و اسناد بالادستی نظام و رویکردهای حاکم بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری، در ادامه به نقد و اصلاح تدابیر سند الگوی پایه پرداخته می‌شود.

تدبیر ۲۰ یا همان «التزام به رعایت اصول و قواعد اسلامی در غایت و ساختار تصمیمات، سیاست‌گذاری‌ها و نهادسازی‌های اقتصادی و مالی» به علت کلی‌گویی و آنچه در قسمت «کج‌فهمی، درک ناقص و غیرکاربردی از معنای تدبیر» بیان شد، حذف می‌شود؛ به این دلیل که رعایت کلی اصول و قواعد اسلامی در غایات و تصمیمات و همچنین، سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران امری بدیهی است. آنچه اهمیت دارد نحوه اثرگذاری این اصول در حوزه‌های مختلف است که ذیل هر یک از تدابیر اقتصادی محقق می‌شود.

در تدبیر ۲۱ بیان شده است: «تحقق عدالت مالیاتی و کاهش فاصله‌های جمع درآمد خالص خانوار از طریق ایجاد نظام یکپارچه مالیات‌ستانی، تأمین اجتماعی و ارائه تسهیلات مالی با بهره‌گیری از سامانه جامع اطلاعاتی ملی».

تحقق عدالت مالیاتی موجب کاهش اختلاف طبقاتی در جامعه، به‌عنوان یکی از خواسته‌های مردم از حکومت، می‌شود. به‌طوری‌که با تحقق آن یکی از دلایل عمده نارضایتی‌های اجتماعی از بین می‌رود و در مقابل به سرمایه‌های اجتماعی نظام افزوده خواهد شد. اجرای تدبیر ۲۱ آسیب‌پذیری کشور را در زمینه یادشده کاهش می‌دهد، ولی به‌عنوان یک تدبیر چگونگی دستیابی به این هدف را به‌طور جامع بیان نمی‌کند. همچنین، پیشنهادهایی برای دستیابی کارکردهای مهم نظام مالیاتی ارائه نکرده است تا آسیب‌پذیری اقتصادی کشور در مقابل تحریم‌ها کاهش یابد.

در متون مالیه عمومی برای مالیات‌ها سه کارکرد درآمدی، اجتماعی و مدیریت اقتصادی با درجه اهمیت متفاوت متصور است (اکبری افروزی و اسماعیلی خوشمردان، ۱۳۹۷: ص ۱). مالیات‌ها در هر کشوری برای بهای خدمات دولت در زمینه ایجاد رفاه اجتماعی، برقراری امنیت پایدار، خدمات آموزش و پرورش و بهداشت و درمان پرداخته می‌شود؛ بنابراین، مالیات یکی از ابزارهای مؤثر تصمیم‌گیری و مدیریت در سیاست‌های مالی دولت است که موجب تغییر و تحول در متغیرهای کلان اقتصادی به سمت تعادل اقتصادی می‌شود (ایزدخواستی، ۱۳۹۶: ص ۱).

از طرفی، فرار مالیاتی به‌عنوان مثالی از فساد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی دولت و کیفیت زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات عمومی را کاهش می‌دهد. سطح بالای فساد اقتصادی می‌تواند ناکارآمدی سیاست‌های دولت را به‌دنبال داشته باشد (شاداب‌فر و شاداب‌فر، ۱۳۹۶: ص ۵). کارکرد دیگر مالیات عرصه اجتماعی است که در آن دولت به منظور کاهش شکاف طبقاتی و افزایش عدالت اجتماعی از ابزارهای مالیاتی استفاده می‌کند. برخورد یکسان با تمام کسانی که توانایی پرداخت یکسانی دارند (عدالت افقی) و برخورد مالیاتی متفاوت با دارندگان درآمدهای متفاوت (عدالت عمودی) از مهم‌ترین سیاست‌های مالیاتی در عرصه اجتماعی و بازتوزیع درآمد محسوب می‌شود (جعفری صمیمی و لعل خضری، ۱۳۹۵: ص ۳۲).

نظام مالیاتی ایران به دلایل مختلف، از جمله وفور درآمدهای نفتی در برهه‌های مختلف، متناسب با ظرفیت‌های اقتصادی کشور توسعه نیافته و با نواقص زیادی روبه‌رو است؛ برای مثال یکی از این نواقص نرخ پایین مالیات بر ارزش افزوده در ایران است. نرخ مالیات بر ارزش افزوده در سال‌های ابتدایی در سطحی پایین و معادل ۳ درصد وضع شد که این نرخ طی سال‌های برنامه پنجم توسعه، به‌صورت تدریجی به ۹ درصد در ۱۳۹۴ افزایش یافت و تاکنون تغییری نکرده است. این موضوع درحالی است که بررسی نرخ‌های مالیات بر ارزش افزوده در ۲۰۱۷ در سایر کشورهای مجری، حاکی از وجود نرخ‌های بالاتری در این کشورهاست. میانگین نرخ مالیات بر ارزش افزوده

در کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۲۱/۳ درصد، در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، ۲۰ درصد و در کشورهای آسیایی ۱۳ درصد است. این نرخ در کشورهای مانند روسیه، گرجستان و ترکیه ۱۸ درصد است (اکبری افروزی و اسماعیلی خوشمردان، ۱۳۹۷: ص ۷). با توجه به بیم اعمال تحریم‌های مجدد بر درآمدهای نفتی ایران، برای کاهش آسیب‌پذیری کشور افزایش درآمد ناشی از مالیات‌ها امری ضروری است؛ به گونه‌ای که ضرورت تحول در نظام مالیاتی، اهمیت دوجندانی می‌یابد؛ از این رو، با در نظر گرفتن کارکردها و اثرگذاری مالیات‌ها، ساختار مالیاتی کشور نیازمند تحول مثبت در آن و افزایش پوشش مالیاتی است. بر این اساس، برای اتخاذ تصمیمات بهتر در نظام مالیاتی، تدابیری مورد نیاز است که سه کارکرد آن را بهبود بخشند و چتر مالیاتی کشور را گسترش دهند؛ بنابراین، موارد زیر در جهت تغییر و تحول نظام مالیاتی کشور مطرح می‌شود:

- کاهش اختلاف طبقاتی و نارضایتی اجتماعی با اصلاح ساختاری مالیات‌ها؛
- جلوگیری از فرار مالیاتی و گسترش چتر مالیاتی کشور؛
- کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی با افزایش درآمدهای مالیاتی؛
- گسترش پایه‌های مالیاتی؛
- ارتقای تمکین مالیاتی؛
- اصلاحات حوزه مالیات بر ارزش افزوده؛
- اصلاح نرخ مالیات بر درآمد، مصرف و واردات.

مقوله تأمین اجتماعی با توان بالایی که در بحران‌سازی یا خدمات‌رسانی دارد سزاوار است به صورت تدبیری مجزا مطرح شود. سازمان تأمین اجتماعی به عنوان یک کلان‌سیستم بسیار اثرگذار در روند توسعه و پیشرفت یک کشور مطرح است. این سازمان دارای ارتباط اجتناب‌ناپذیری با دیگر نهادها و سازمان‌های کشوری است و تأثیرات این نظام و سیستم در مقایسه با دیگر سازمان‌ها و سیستم‌ها بر ثبات و پایداری یا عدم ثبات و پایداری یک حکومت، فراوان است؛ با وجود این، جایگاه مدیریتی کارآمد، خلاق و متخصصی نداشته است که حاصل آن وجود بحران‌ها و آسیب‌های جدی است؛ از این رو، آسیب‌شناسی آن با هدف ارائه راهبردها و راهکارهای عملیاتی برای خروج از وضعیت جاری امری ضروری است (اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۶: ص ۱). در ادامه بعضی از این آسیب‌ها در حوزه‌های مختلف مأموریت سازمان، راهبردها و غیره نام برده می‌شود:

- ضعف فرایند شناسایی فرد نیازمند؛
- ضعف در تشخیص نیازهای واقعی؛
- عدم توانمندسازی آسیب‌دیدگان؛
- عدم مشارکت دولت در برنامه تأمین سازمان؛
- ارتقای فرهنگ بیمه‌ای؛
- تشتت گسترده در ارائه خدمات حمایتی و بیمه‌ای؛
- عدم چتر مدیریتی واحد بر تمام نهادها و سازمان‌های حمایتی دولتی و غیردولتی؛
- عدم تحقق انسان سالم؛
- عدم پرداختن به تکافل اجتماعی.

بنابراین، برای دستیابی به اهداف بالا کشور نیازمند حرکت در مسیر پیشرفت پایدار با کاهش آسیب‌های تأمین اجتماعی از قبیل آسیب‌های مرتبط به مأموریت سازمان، راهبردها و غیره و گسترش فرهنگ تکافل عمومی در جامعه خواهد بود.

تدبیر ۲۳ سند پایه‌الگو به ضرورت «تحقق عدالت در ساختار قانونی نظام بانکی با ایجاد انضباط پولی، رهایی از ربای قرضی، توزیع عادلانه خلق پول بانکی و بهره‌مندسازی عادلانه آحاد مردم جامعه از خدمات پولی» اشاره دارد. این تدبیر به دلایل زیر قابل خدشه خواهد بود.

تلقی کنونی که از بانک در میان اندیشمندان حوزه بانکداری اسلامی وجود دارد آن است که بانک غربی یک نهاد واسطه مالی یا واسطه جوه است که پس اندازهای مردم را به صورت سپرده و در مقابل پرداخت بهره یا ارائه خدمات جمع می‌کند و آن‌ها را در قالب وام و در مقابل دریافت بهره در اختیار افراد متقاضی قرار می‌دهد. در این رویکرد آنچه با معارف اسلامی در تعارض قرار می‌گیرد، قرض ربوی است و بر این اساس، تمرکز مطالعات بانکداری اسلامی بر حذف ربا از ترتیبات و قواعد بانک متعارف بوده است؛ در حالی که با بررسی تحولات بانک و ترتیبات حاکم بر آن می‌توان نشان داد که بانک متعارف نهاد خلق پول در اقتصاد است و تقلیل آن به یک نهاد واسطه مالی همچون سایر نهادهای مالی تصویر صحیحی از ماهیت بانک ارائه نمی‌کند. با توجه به جایگاه و نقش پول در اقتصاد و آثار خلق پول بانک‌ها در آن، برای طراحی یک نظام بانکداری اسلامی ضروری است که این تلقی از ماهیت بانک مبنای مطالعات بانکداری اسلامی قرار گیرد (حسینی دولت آبادی، ۱۳۹۵: ص ۱). با توجه به نظریه فقه تعاملات اجتماعی، به عنوان دانش طراحی سازوکارهای مطلوب شارع در بهره‌مندی آحاد مردم جامعه از مواهب (که متضمن فعل

بایسته هر یک از کنشگران اجتماعی و اقتصادی نیز هست)، به توضیح علت بحران در نظام پولی و بانکی کشور پرداخته می‌شود.

بحث از ماهیت پول و مالکیت آن، پذیرش یا عدم پذیرش خلق پول بانکی (خلق پول بانک مرکزی یا خلق پول درون‌زای شبکه بانکی)، مالکیت پول خلق شده، چگونگی هدایت پول خلق شده، چگونگی بازطراحی رابطه دولت و بانک مرکزی یا رابطه بانک مرکزی و بانک‌ها از مهم‌ترین مؤلفه‌های نهاد مالکیت پول به‌شمار می‌رود. اما با نگاهی به نظام بانکی می‌توان دریافت که در طراحی نهاد بانک فقدان توجه مستمر، ساختاری و نظام‌مند به حرمت «اکل مال به باطل» و «لزوم ارزش‌آفرینی از کار و ریسک مجاز» از یک‌سو و شناسایی «حق انحصاری خلق پول درون‌زای بانک‌ها» به‌عنوان مصداقی از عدم رعایت بست‌های حقوق مالکیت بایسته در عرصه حکمرانی پول و بانک می‌تواند مقدمه‌ای برای بروز یک بحران باشد (موحدی بکنظر و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۱۸).

به‌عبارت دیگر، در روابط حقوقی تعریف‌شده در بانکداری متعارف، منافع حاصل از خلق پول بانکی، که مصداقی از «خلق اعتبار از هیچ» و طبیعتاً «اکل مال به باطل» است، به ملکیت عده‌ای در می‌آید و اگر این روابط حقوقی نابایسته - چنان‌که امروزه در نظام بانکی کشور در جریان است - به شکل مستمر، ساختاری و نظام‌مند جریان یابد، ممکن است در نظام بانکی کشور و در نتیجه آن در کل اقتصاد بحران ایجاد کند. رفع مشکل ربا و به‌کارگیری عقود فقهی همچون عقود مشارکتی در فرایندهای بانکداری متعارف بدون ربا، اساساً نمی‌تواند این مشکل را حل کند (موحدی بکنظر و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۱۸).

بنابراین، برای تغییر سیستم بانکی و جلوگیری از بروز بحران در این حوزه و علاوه بر آن، کمک در جهت پیشرفت، نیازمند توجه به موارد زیر است:

- لزوم طراحی سازوکاری بدون برخورداری از حق انحصاری خلق پول؛
 - در صورت قبول سازوکار متعارف بانک در خلق پول درونی، لازم است منافع حاصل از این خلق پول، به‌جای استفاده بانک، بین زیان‌کنندگان متأثر از این سیاست توزیع شود.
- مجموعه تدابیر ۲۴، ۲۵ و ۲۸ (۲۴): استقلال بودجه دولت از درآمدهای حاصل از بهره‌برداری از منابع طبیعی و ثروت‌های عمومی و انتقال این درآمدها به مردم با تأمین عدالت بین‌نسلی؛ ۲۵: توقف خام‌فروشی منابع طبیعی ظرف پانزده سال از زمان شروع اجرای الگو و جایگزینی آن با زنجیره پیش‌رونده تولید ارزش افزوده ملی در داخل و خارج کشور؛ ۲۸: حفظ حقوق مالکیت

عمومی بر منابع طبیعی و ثروت‌های ملی همراه با رعایت ملاحظات صیانتی، زیست‌محیطی و بین‌نسلی در بهره‌برداری از آن‌ها) در حوزه بودجه کشور و نفت نیازمند تغییرات اساسی هستند. دولت منتخب (قوه مجریه) برای یک دوره کوتاه مدت (چهار یا پنج سال) یک جایگاه و مقام نسلی است. ویژگی چنین جایگاهی کوتاه‌نگری و نظرنداشتن منابع بلندمدت در برنامه‌هایش است. ماهیت دولت موقت و گذرا ایجاب می‌کند که به منافع حزبی و گروهی بیشتر توجه شود و انتظار پیگیری برنامه‌هایی که به رفاه بین‌نسلی و بلندمدت اقتصاد مربوط می‌شود، انتظار نابه‌جایی باشد. همچنین، با توجه به دوره زودگذر دولت‌ها، اگر دولتی قصد برنامه‌های پیشنهادی بلندمدتی نیز داشته باشد، ضمانتی برای تداوم آن برنامه در دولت‌های بعدی وجود ندارد. هرچند در سال‌های اخیر با وجود تحریم‌های ظالمانه اقتصادی که صنعت نفت کشور و درآمدهای آن را نشانه گرفته‌اند، ضرورت استقلال بودجه دولت از این منابع را دوچندان کرده است (نعمتی، ۱۳۸۷: ص ۳).

انتساب به جایگاه و مقام بین‌نسلی در حالی صورت می‌گیرد که این جایگاه بتواند اهداف و سیاست‌های بلندمدت نظام اقتصادی را طرح و پیگیری کند. ویژگی مهم این جایگاه تغییر نیافتن در کوتاه‌مدت و در نتیجه نداشتن بی‌ثباتی‌های ناشی از آن است. می‌توان نهاد رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و تاحدودی بانک مرکزی (در صورت استقلال از دولت) را از جمله جایگاه‌های بین‌نسلی در کشور دانست. حال این سؤال مطرح می‌شود که وظیفه سیاست‌گذاری و تعیین بسته‌های مالکیت در حوزه منابع طبیعی می‌تواند در اختیار کدام جایگاه باشد و یا باید باشد؟ (نعمتی، ۱۳۸۷: ص ۱۴).

بعد از به رسمیت شناختن مقام سیاست‌گذار بین‌نسلی حوزه انفال و منابع طبیعی، نوبت به مشخص کردن وظیفه این مقام در حوزه انفال و منابع طبیعی می‌رسد. مهم‌ترین وظیفه این نهاد دستیابی به قانون، ترتیبات و قواعد بهره‌برداری، مدیریت و مصرف عواید حاصل از این منابع است. از این رو، سؤالاتی که در تشریح سه حق تولید (بهره‌برداری)، مدیریت (دسترسی) و حق مصرف (بهره‌مندی) منابع طبیعی و انفال مطرح می‌شود در ادامه بیان شده است.

حق تولید (بهره‌برداری)

- مالک نفت کیست؟
- نحوه اعمال حق مالکانه نفت برای برداشت نفت چگونه است؟
- میزان بهینه استخراج نفت چقدر است؟

حق مدیریت (دسترسی)

- نحوه استفاده درست از نفت استخراج شده چیست؟
- منطق قیمت‌گذاری نفت و حامل‌های انرژی در داخل کشور چه باید باشد؟
- نحوه کمک به شرکت‌های داخلی و ارتقای زنجیره داخلی نفت چیست؟

حق مصرف (بهره‌مندی)

- منابع حاصل از فروش نفت در داخل را چه کنیم؟

بنابراین، هنگامی که صحبت از انفال یا اقتصاد منابع طبیعی یا اقتصاد نفت و گاز می‌شود، به نوعی به تعریف و تحدید بسته‌ای از حقوق (شامل حق خلق، برداشت، مدیریت، بهره‌مندی و غیره) پرداخته می‌شود که نظریه پردازان برای توجیه نظریه یا نظریات خود به استدلال و تمسک به قواعد مختلف می‌پردازند. بحث اقتصاد انفال بدون پرداختن به این حقوق همان قواعد و یا سازوکارهای بهره‌مندی جامعه از نعمت منابع خدادادی است و نمی‌تواند معنایی در دوره تشکیل حکومت اسلامی داشته باشد (موحدی بکنظر و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۱۳).

در راستای حق مصرف (بهره‌مندی) رویکرد توزیع مستقیم یکی از راهکارهای مورد توجه اقتصاددانان در دهه اخیر بوده است. این رویکرد با داشتن اثر تخصیصی و اثر اطلاعاتی سبب افزایش فشارهای اجتماعی بر روی عملکرد دولت و شفافیت اقتصادی می‌شود (بهبودی و دیگران، ۱۳۹۱: ص ۹) و در نتیجه آن، فساد و هدررفت منابع در اقتصاد را کاهش می‌دهد و منجر به عدالت اقتصادی میان آحاد جامعه و مناطق مختلف کشور می‌شود. حقوق مدیریت و دسترسی به صورتی تعریف می‌شود تا با در اختیار قرارگرفتن این حقوق برای کل مناطق کشور در قالب تکمیل زنجیره ارزش نفت و ایجاد پالایشگاه و بنگاه‌های تولیدی ارزش افزوده بالا، بهره‌مندی عادلانه جامعه از منابع طبیعی محقق شود. همچنین، در راستای تحقق این امر علاوه بر جلوگیری از خام‌فروشی، با رعایت اصل پراکنده‌سازی مانع از آسیب‌پذیری کشور در برابر تهدیدهای خارجی در این عرصه مهم می‌شود.

بنابراین، در راستای تحقق مطالب ذکرشده در حوزه تدابیر نفتی کشور، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- به رسمیت شناختن مقام سیاست‌گذار حوزه انفال و منابع طبیعی و استقلال آن از نهادهای دولتی؛
- اولویت توسعه میادین مشترک نفت و گاز و برخورداری عموم مناطق و استان‌های مختلف

کشور از نفت خام به‌عنوان ماده اولیه پالایش؛

- توقف خام‌فروشی در حداقل زمان ممکن و تشکیل زنجیره ارزش صنعت نفت؛
- توزیع عادلانه درآمدهای نفتی میان آحاد مختلف جامعه؛
- استقلال بودجه دولت از منابع نفتی و تأمین مالی بودجه دولت برای هر نسل از منابع موجود همان نسل؛
- مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز.

شایان ذکر است اثرگذاری تدبیر ۲۶ (مصون‌سازی و تقویت فرایندها، سیاست‌ها، تصمیم‌ها و نهادهای اقتصادی در مقابل تکانه‌های سیاسی-اقتصادی هدفمند و غیرهدفمند برون‌زا) سند پایه الگو در اقتصاد کشور با اجرای تدابیر پیشنهادی حوزه منابع طبیعی محقق می‌شود و به عبارت دیگر، با تعیین متولی مستقل انفال و توزیع عادلانه درآمدهای نفتی میان آحاد جامعه، بودجه دولت از این درآمدها مستقل می‌شود و نه تنها تحریم‌های خارجی بر اقتصاد کشور اثر نمی‌گذارند، بلکه با دسترسی مردم به عواید این درآمدها مانع از افزایش اختلاف طبقاتی و توسعه نامتوازن مناطق مختلف کشور خواهد شد. هم‌زمان با واگذاری حق دسترسی نفت به استان‌های مختلف، اصول پراکنده‌سازی تأسیسات مهم نفتی و پالایشگاهی کشور رعایت می‌شود و در صورت بروز مشکل در تعدادی از تأسیسات و پالایشگاه نفتی، کشور دچار بحران نخواهد شد.

تدابیر ۲۷ و ۲۹ حوزه آب و انرژی (۲۷): توسعه فعالیت‌های زیربنایی، اقتصادی و اجتماعی و مصرف آب، انرژی و سایر منابع حیاتی متناسب با ظرفیت، حقوق و اخلاق زیستی؛ ۲۹: کاهش شدت مصرف انرژی و متناسب‌سازی سهم تولید و مصرف انرژی از منابع انرژی پاک) نیز نیازمند تغییر و تحول است.

در طی دهه‌های اخیر از انرژی به‌عنوان یکی از عوامل مهم تولید یاد شده است؛ به طوری که در کنار سایر عوامل تولید نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات اقتصادی کشورها داشته و با توسعه و پیشرفت اقتصادی اهمیت آن به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته است (بهبودی و دیگران، ۱۳۸۸: ص ۲۲). از آنجا که مصرف انرژی نقش حیاتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد، تولید و مصرف انرژی به‌طور گسترده با جنبه اقتصاد توسعه پایدار و رشد اقتصادی مرتبط است.

انرژی الکتریکی نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های انرژی کشور، ضمن داشتن نقش مؤثر در تولید و مصرف، اهمیت ویژه‌ای در فرایند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی داشته است (یاوری و احمدزاده، ۱۳۸۹: ص ۳). با توجه به نقش انرژی برق در ثبات و امنیت سیاسی و اقتصادی کشور،

سیاست‌های اقتصادی بیشتر بر مبنای دسترسی آسان به انرژی در قیمت‌های بسیار پایین بنا شده است که مانع از تفهیم اهمیت اقتصادی انرژی‌های الکتریکی به مصرف‌کنندگان از طریق قیمت می‌شود و موجب ازدیاد مصرف و هدررفت آن در همه بخش‌ها از جمله بخش صنعتی شده است (محمدی و محمودی، ۱۳۹۷: ص ۳). تحقق کامل هدفمندی یارانه‌ها سبب خواهد شد تا این مشکل رفع شود و روند افزایش هدررفت انرژی در کشور کاهش یابد.

منابع آب کشور و ارتباط آن با محیط زیست از چالش‌های مهم است و کمبود آن در دهه‌های اخیر موجب پیامدهای گسترده نظیر خشک شدن تالاب‌ها، کاهش روان‌آب رودخانه‌ها، خشک شدن قسمت اعظم دریاچه ارومیه، بروز ریزگردها و گستردگی آن در ایران شده است (مکنون، ۱۳۹۷: ص ۱).

با توجه به هدف‌گذاری‌های صورت‌گرفته در برنامه‌های توسعه‌ای بخش آب، مبنی بر تأمین کمبود بخشی از آب موردنیاز در بخش‌های شرب و صنعت با استفاده از نمک‌زدایی آب‌های شور و با توجه به نیاز به انرژی این واحدها باید توسعه بخشی عرضه انرژی نیز به گونه‌ای صورت گیرد که بتواند پاسخ‌گوی این نیاز جدید انرژی باشد؛ به عبارتی، سیاست‌های بلندمدت رفع کمبود آب و تأمین تقاضای انرژی باید به گونه‌ای باشد که هر دو بخش به شکلی سازگار توسعه یابند. تولید انرژی فقط مصرف‌کننده آب نیست، بلکه در آلودگی آن نیز نقش دارد مانند آب تولیدشده در فرایند استخراج نفت که به دلیل آلودگی زیاد نمی‌تواند بدون تصفیه کافی رها شود. به طور خلاصه می‌توان گفت ایجاد امنیت آب و انرژی، برطرف کردن نگرانی‌های زیست‌محیطی، ارزیابی فناوری‌های نمک‌زدایی از آب، بررسی اثرات به‌کارگیری این فناوری‌ها بر توسعه بهینه بخش برق از جمله مهم‌ترین مسائلی است که در تدوین توسعه بهینه بخش انرژی و آب باید مدنظر قرار گیرند (آریان‌پور و دیگران، ۱۳۹۶: ص ۵).

از این رو، با توجه به مطالب ذکرشده در حوزه آب و انرژی موارد زیر جهت جایگزینی با تدابیر سند پایه الگو پیشنهاد می‌شود:

- افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین و گسترش نیروگاه‌های پراکنده و کوچک مقیاس؛
- گسترش اقتصاد سبز با تأکید بر اصلاح الگوی تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و بهینه‌سازی الگوی مصرف آب، منابع، غذا، مواد و انرژی و استفاده از انرژی‌های پاک؛
- تعادل بخشی و حفاظت کیفی آب‌های زیرزمینی.

توسعه نامتوازن منطقه‌ای از جمله مشکلاتی است که در اکثر کشورهایی که به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی وابسته هستند، وجود دارد. بدین ترتیب، ایران نیز با همین مشکل دست به گریبان است و عدم توازن‌هایی در استان‌های مختلف به چشم می‌خورد. متأسفانه تدبیر ۳۰ سند پایه الگو (بسترسازی برای استقرار متعادل جمعیت و توازن منطقه‌ای در پهنه سرزمین بر مبنای آمایش ملی و تخصیص امکانات و تسهیل و تشویق سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی و فرهنگی مناطق مختلف و توانمندسازی مناطق محروم با توجه به استعدادهای سرزمینی) راه برون‌رفت از این مشکل را بیان نمی‌کند. ساختار اقتصاد وابسته به نفت ایران روند حرکتی اقتصاد را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار داده است که حرکت آن به شدت به درآمدهای حاصل از نفت وابسته شده است. عدم توازن‌های منطقه‌ای را می‌توان یکی از آثار همین وابستگی به درآمدهای نفتی به‌شمار آورد. به گونه‌ای که معمولاً مناطق مختلف یک کشور، متناسب با رانت‌هایی که در اختیار داشته‌اند توانسته‌اند از ثروت‌های به‌دست‌آمده از این رهگذر بهره‌برند و رشد کنند (نعمتی و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۲).

در نظام اقتصادی اختلاف‌هایی که براساس تفاوت مناطق رخ دهد مذموم نیست؛ با این حال، دخالت‌های دولتی و اختلاف‌های ناشی از سیاست‌های آن عاملی بیرونی محسوب می‌شود که نتیجه آن تبعیض است. در دهه‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌ها، احداث بناها و زیرساخت‌ها توسط دولت به مدد دلارهای نفتی و درآمدهای ناشی از فروش ثروت‌های عمومی به شکلی نابرابر، سیمای امروز عدم توازن‌ها در کشور را آفریده است. با توجه به این نکته، در ادامه راهکارهایی در جهت توسعه متوازن مناطق مختلف کشور ارائه می‌شود.

- شناسایی وضعیت کنونی هر منطقه برای درک مقصد و مبدأ در فرایند نیل از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب و مطالعه شیوه‌های بهره‌برداری دیگر کشورها برای غلبه بر مشکلات ناشی از عدم توازن منطقه‌ای ناشی از تخصیص درآمدهای حاصل از ثروت‌های طبیعی به منظور نیل به رشد همه‌جانبه و متوازن موردنظر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و پرهیز از آزمون و خطا در برنامه‌ریزی منطقه‌ای؛
- برنامه‌ریزی منسجم برای بالفعل کردن ویژگی‌های هر منطقه با در نظر گرفتن ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خاص هر منطقه در چهارچوب الگویی کلی برای غلبه بر آثار عدم توازن‌های منطقه‌ای و تکیه بر ظرفیت‌های بومی و درونی؛
- طراحی و اولویت‌گذاری سیاست‌های توازن منطقه‌ای توزیع درآمدهای منابع طبیعی؛
- کاهش تصدی‌گری دولتی بر منابع درآمدی نفت و برنامه‌ریزی برای توانمندسازی آموزش،

بهداشت و رفع بیکاری از مهم‌ترین و کارآمدترین حوزه‌هایی است که برای رفع تبعیض‌های بین منطقه‌ای، رشد ظرفیت تولید، ظرفیت منابع و ظرفیت انسانی به‌عنوان راهکارهای تخصیص بودجهٔ نفت در مناطق بدون بهره‌مندی‌های غیرعادلانه صورت می‌پذیرد.

- بسترسازی برای استقرار متعادل جمعیت و توازن منطقه‌ای در پهنهٔ سرزمین با استفاده هدفمند از درآمد عمومی، توزیع عادلانهٔ امکانات آموزشی، علمی و فناوری، برقراری نظام ملی آمایش سرزمین به منظور شناسایی و به‌کارگیری استعدادها، قابلیت‌ها و مزیت‌های مناطق و استان‌ها و کاهش عدم تعادل‌ها.

از این رو، پیشنهاد می‌شود برای تحقق موارد بالا از بسترسازی برای استقرار متعادل جمعیت و توازن منطقه‌ای در پهنهٔ سرزمین بر مبنای آمایش ملی و تخصیص امکانات و تسهیل و تشویق سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی و فرهنگی مناطق مختلف و توانمندسازی مناطق محروم با توجه به استعدادهای سرزمینی استفاده شود.

تحقق امنیت غذایی از وظایف دولت‌ها و از ارکان حفظ و ارتقای امنیت ملی است. تدبیر ۳۵ (تأمین امنیت و ایمنی غذا و ترویج تغذیهٔ سالم و ارتقای سازوکارهای نظارت بر تولید و توزیع مواد غذایی و مصرفی) بیانگر این موضوع است. اما برای تحقق آن ابعاد دقیق مسئلهٔ تأمین امنیت غذایی را مطرح نمی‌کند؛ به بیان دیگر، ارتباط امنیت غذایی و امنیت ملی ارتباطی دوسویه در مسیر پیشرفت کشور است. بنا به تعریف نشست جهانی غذا (WFS) در سال ۱۹۹۶ امنیت غذایی هنگامی وجود دارد که همهٔ مردم همواره به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند و غذای در دسترس نیازهای رژیم تغذیه‌ای سازگار با ترجیحات آنان را برای یک زندگی فعال و سالم فراهم کند (FAO, 1996).

سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (FAO) چهار بعد اصلی امنیت غذایی را براساس موارد زیر بیان می‌کند (FAO, 2006):

۱. مهیا بودن مواد غذایی: در دسترس بودن مقدار کافی مواد غذایی با کیفیت مناسب، عرضه شده از طریق تولید داخلی یا واردات.
۲. دسترسی به مواد غذایی: دسترسی افراد به منابع و حقوق کافی برای تهیهٔ غذای مناسب برای داشتن یک رژیم غذایی مغذی.
۳. بهره‌وری: بهره‌برداری از مواد غذایی از طریق رژیم غذایی مناسب، آب سالم و مراقبت‌های بهداشتی برای رسیدن به سطح تغذیه‌ای ایدنال.

۴. ثبات: برای اینکه یک جمعیت، خانواده یا فرد دارای امنیت غذایی باشد، باید همواره به غذای کافی دسترسی داشته باشد.

از این رو، برای تحقق چهار بعد اصلی امنیت غذایی، در ادامه اقداماتی پیشنهاد می‌شود. سیاست‌های دولت باید در راستای ترغیب به نوین‌سازی کشاورزی با تأکید ویژه بر مزارع کوچک، فراهم کردن خدمات اساسی چون آموزش و پرورش، بهداشت و اعتبارات زراعی، اشتغال‌زایی، ثبات قیمت‌ها، اعطای یارانه به صورت مواد غذایی، توسعه فروشگاه‌ها و بازارهای کشاورزی عرضه‌کننده انواع غذاهای ارزان، تازه، سالم و ارگانیک (در نقاط متمرکز) و مهیا کردن وسایل حمل‌ونقل یا یارانه برای حمل‌ونقل (در نقاط پراکنده) باشد (اکبرپور و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۵). همچنین، تأمین کالاهای اساسی در حوزه کشاورزی با شناسایی ظرفیت‌های تولیدی کشور از طریق تعیین مزیت‌های مناطق مختلف در تولید کالاهای اساسی صورت پذیرد و با وضع سیاست‌های حمایتی و تشویقی برای سرمایه‌گذاران این حوزه زمینه را برای آن‌ها فراهم کنند. در زمینه کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از ناحیه کالاهای اساسی نیز نیازمند وجود برنامه خواهیم بود. کالای اساسی، کالایی است که «در سبد مصرفی غالب خانوارهای ایرانی وجود دارد و جزء لاینفک زندگی مردم شده است و هر شخص روزانه به مقدار مشخصی از آن نیاز دارد و کمبود آن و عدم تولید آن در داخل باعث به وجود آمدن اختلال در شرایط اقتصادی و امنیت غذایی کشور می‌شود» (قاسمی، ۱۳۹۵: ص ۳۸).

موارد و شاخص‌هایی که برای بررسی آسیب‌پذیری اقتصاد ایران از بخش کالاهای اساسی در ادامه مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: میزان وابستگی به واردات، میزان تنوع و اطمینان مبادی وارداتی، امنیت غذایی.

شاخص اول امنیت غذایی است که توضیح این قسمت در موارد قبل بیان شد. شاخص دوم میزان وابستگی به واردات کالاهای اساسی است؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد، یکی از شاخص‌های مهم برای آسیب‌پذیری میزان وابستگی به واردات است. اگر وابستگی زیادی به واردات کالاهای اساسی در کشور وجود داشته باشد، بدان معناست که کشور از این ناحیه آسیب‌پذیر است (قاسمی، ۱۳۹۵: ص ۳۶).

شاخص بعد بررسی مبادی تأمین کالاهای اساسی است؛ بدین معنا که اگر کشور نیاز به واردات کالاهای اساسی دارد، آیا تنوع مبادی وارداتی وجود دارد یا این نیاز از مبادی محدودی برطرف می‌شود؟ همچنین، کشورهایی که از آن‌ها واردات این محصولات صورت می‌گیرد تا چه

حد قابل اعتماد هستند و آیا کشورهای اسلامی در بین آنها وجود دارند؟ در صورتی که مبادی تأمین کالاهای اساسی محدود به چند کشور خاص باشد و این مبادی نامطمئن نیز باشند، یعنی از کشورهایی واردات انجام گیرد که به تعهدات خود پایبند نیستند و به دلایل مختلف سیاسی و اقتصادی ممکن است روابط خود را با کشور قطع کنند و یا کشور را مورد تحریم قرار دهند، آسیب بیشتری به کشور وارد خواهد شد. تفاوت این شاخص با شاخص اول این است که در شاخص اول فقط وابستگی به واردات مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت وابستگی به واردات اثبات می‌شود که آسیب‌پذیری وجود دارد. این شاخص یک گام جلوتر می‌رود و می‌گوید با فرض وجود وابستگی به واردات، که خود یک آسیب محسوب می‌شود، آیا مبادی تأمین متنوع هستند تا در نتیجه تحریم یکی از مبادی، از مبادی دیگری واردات صورت گیرد و خطر کمتری کشور را تهدید کند؟ یعنی اگر اثبات شود که تنوع مبادی وارداتی وجود ندارد و از طرفی، مبداهای وارداتی همگی کشورهای بیگانه هستند، این خطر وارد آمدن آسیب به کشور را تشدید می‌کند (قاسمی، ۱۳۹۵: ص ۳۶).

بنابراین، برای کاهش سطح وابستگی اقتصاد کشور به کالاهای اساسی ضرورت افزایش خودکفایی کشور در تولید این کالاها احساس می‌شود. علاوه بر آن، جهت کاهش آسیب‌پذیری کشور باید به تنوع مبادی وارداتی مطمئن کالاهای اساسی و میزان وابستگی به واردات این کالاها نیز توجه کافی داشت.

برای جایگزین کردن تدابیر حوزه امنیت غذایی می‌توان از تدابیر جایگزین زیر کمک گرفت:

- تأمین امنیت و ایمنی غذا با ترغیب به نوین‌سازی کشاورزی؛
- تأمین کالاهای اساسی در حوزه کشاورزی با شناسایی ظرفیت‌های تولیدی کشور؛
- ایجاد تنوع مبادی وارداتی مطمئن در کالاهای اساسی.

پس از ارائه تدابیر پیشنهادی به بیان تعاریف رویکردهای اصلی موجود در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (در اوایل تک‌نگاشت بدان اشاره شد) پرداخته می‌شود و سپس رابطه تدابیر پیشنهادی با رویکردهای اصلی یا مؤلفه‌های مدنظر مقام معظم رهبری برای اقتصاد کشور، در قالب یک جدول ذکر می‌شود.

تعاریف رویکردهای اصلی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

۱. انعطاف‌پذیری

انعطاف‌پذیری اقتصادی می‌تواند در دو معنی استفاده شود که به ترتیب مربوط به توانایی اقتصاد

برای «جذب اثر شوک‌های اقتصادی خارجی» و «بی‌اثرکردن اثرات زیانبار چنین شوک‌هایی» باشد. توانایی یک اقتصاد برای جذب شوک‌های خارجی که همراه با انعطاف‌پذیری است، اقتصاد را به بهبود سریع‌تر خود بعد از واردآمدن اثرات مخرب شوک‌ها قادر می‌کند (Briguglio, Lino, 2004).

۲. مولدیت

مولدیت را با بهره‌وری هم‌عرض می‌دانند. منظور از بهره‌وری، کارایی یک انتخاب جمعی در کنار کارآمدی (اثربخشی) آن است؛ به عبارت بهتر، بهره‌وری شاخصی است که از تجمیع دو شاخص دیگر حاصل می‌شود و بر همین اساس، بهترین روش جهت تبیین بهره‌وری تبیین دو شاخص مذکور است (لاک‌وود، ۲۰۰۸: صص ۲۹۵-۲۹۲).

۳. پیشرو بودن

پیشرو در لغت به معنای پیشتاز، پیش‌قدم و مقدم آمده است (خداپرستی، ۱۳۷۶: مدخل پ). در زبان انگلیسی نیز پیشرو بودن به همین معناست.^۱ سلیمانی و حسین‌زاده یزدی (۱۳۹۵: ص ۱۳) در پژوهش خود با عنوان «تبیین رویکردها و مؤلفه‌های سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» بیان می‌دارند: مفهوم پیشرو بودن در اقتصاد را می‌توان در دهه ۱۹۳۰ و در خلال بحث‌های اقتصاددانان کانادایی جست‌وجو کرد». کلیدواژه «Pioneer Economy» در اقتصاد در مطالعات اقتصاددانان کانادایی به چشم می‌خورد. باین حال، دابلیو مکینتاش اقتصاددان کانادایی در این باره می‌گوید: «اقتصاد پیشرو یا نابالغ چیست؟ این مفهوم، مفهومی نیست که به لحاظ تاریخی بحث جدیدی به حساب آید، بدون پیشینه و همچنین، غیر توسعه‌یافته نیست (دابلیو.آ. مکینتاش، ۱۹۳۶: ص ۴۵۷). همچنین، بعضی از اقتصاددانان داخلی از جمله پیغامی پیشرو بودن از دیگران را معمولاً با ایده نوآوری، داشتن ایده‌های جدید و خلاقیت معنا کرده‌اند. پیشرو بودن در خلق فرصت‌های مولدیت، تبدیل به نوآوری می‌شود. کالای جدیدی تولید یا بازار جدیدی درست می‌شود. این نوعی پیشرو بودن و مولد بودن است (پیغامی، ۱۳۹۳: ص ۵۹).

۱. رجوع شود به دیکشنری merrian Webster.

۴. برون‌گرا بودن

فعالیت‌های برون‌گرا^۱ به فعالیت‌های کسب‌وکار و تجارت افراد و سازمان‌ها برمی‌گردد که از مرزهای ملی خارج می‌شود و به کشورهای دیگر وارد می‌شود. برون‌گرایی، بهره‌برداری از مزیت‌های رقابتی و مزیت نسبی کشورها و گسترش کسب‌وکار به بازارهای جدید بین‌المللی و خارج از مرزهاست. جهت استفاده از این مزیت هر دو محیط داخلی سالم و محیط خارج باید آماده پذیرش محصولات کشور صادرکننده باشند.

۵. درون‌زا بودن

اقتصاد درون‌زا دارای ویژگی‌های مفهومی است که عبارت‌اند از:

- عدم تساوی درون‌زایی با درون‌گرایی؛
- اعتماد به نفس ملی؛
- ورود به عرصه‌های جدید و بی‌رقیب؛
- استفاده از تمام ظرفیت‌های ارزش‌آفرین.

۶. فرصت‌ساز بودن

فرصت‌های اقتصادی یکی از حقوق بنیادین زندگی، آزادی و رضایتمندی محسوب می‌شود. خلق یک فرصت در جامعه نمایانگر فرصتی اقتصادی است که راهکارهای خلق یک فرصت را بررسی می‌کند، این راهکارها به‌ویژه برای سطوح ضعیف اقتصادی جامعه معنادار است.

۷. جهادی بودن

مؤلفه‌های رویکرد جهادی از منظر گزاره‌های دینی عبارت‌اند از:

- توجه به معنویت (اخلاص)؛
- طراحی نقشه راهبردی (بصیرت)؛
- پایداری و استقامت در کار؛
- مردمی‌محوری؛

➤ دیده‌بانی و رصد دقیق منابع و موانع حرکت کشور و دشمن خارجی.

۸. مردمی بودن

۹. دانش‌بنیان بودن

بانک جهانی دوره جدید را اقتصاد مبتنی بر دانش نامیده است و آن را دارای چهار محور می‌داند:

➤ سیستم نهادی و اقتصادی که مشوق استفاده مؤثر از دانش و رشد کارآفرینی است؛

➤ جمعیت دانش‌آموخته، خلاق و ماهر؛

➤ زیرساخت اطلاعاتی و ارتباطی به‌خوبی توسعه‌یافته؛

➤ یک نظام ملی نوآوری مؤثر که رابطه دینامیکی با جهان علم و فناوری و جهان کسب‌وکار داشته باشد.

۱۰. عدالت‌بنیان بودن

برای بررسی موضوع عدالت ابتدا باید تعریف درست و جامعی از عدالت، به‌ویژه در حوزه اقتصادی، داشت. برای تعیین شاخص عدالت ابتدا باید عدالت اقتصادی را تعریف و سپس برای بررسی آن شاخص‌هایی را شناسایی کرد. شاخص ضریب جینی، که نوع توزیع درآمد را مشخص می‌کند، می‌تواند یکی از راه‌های تعیین معیارهای عدالت در جامعه باشد.

حال به بررسی و تحلیل روابط «تدابیر پیشنهادی» جایگزین تدابیر سند پایه الگو، با رویکردهای اصلی حاکم بر سیاست‌های اقتصادی از منظر مقام معظم رهبری در قالب جدول زیر پرداخته می‌شود.

شماره تدابیر	موضوع تدبیر/تدابیر	مردمی	درون‌زا	برون‌گرا	پیشرو	مولد	فرصت‌ساز	عدالت‌بنیان	دانش‌بنیان	انعطاف‌پذیر	مدیریت جهادی
۱	نظام مالیاتی	***	***		***			***		***	***
۲	نظام بانکی					***		***			***
۳	حکمرانی منابع طبیعی	***	***	***	***	***		***	***		***
۴	آب و انرژی	***	***		***		***		***		***
۵	آمایش سرزمین و توزان منطقه‌ای					***		***			***
۶	امنیت غذایی	***	***	***		***	***		***	***	***

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد تا ضمن بیان عمده‌ترین نقدهای کارشناسی ناظر به تدابیر اقتصادی سند پایه الگوی پیشرفت، هر یک از این تدابیر از منظر پدافند اقتصادی مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. ضمن تقسیم تدابیر اقتصادی سند پایه الگو به موضوعات و حوزه‌های اقتصادی، تلاش شد مجموعه تدابیری پیشنهاد شود تا ضمن دستیابی به حکمرانی خوب اقتصادی از بروز بحران‌های داخلی در حوزه‌های مختلف داخلی، اعم از پولی و بانکی کشور تا خام‌فروشی نفت، جلوگیری شود و زمینه‌های ضربه‌پذیری از تهدیدهای خارجی از قبیل تحریم‌های اقتصادی از بین برود. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی با رویکرد انتقادی به موضوع ذکر شده پرداخته شد و در نهایت، با تطبیق تدابیر پیشنهادی جدید با مؤلفه‌های اصلی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از جمله مردمی بودن، درون‌زا بودن و غیره به نتیجه قابل قبولی در حاکم‌بودن این اصول بر تدابیر پیشنهادی پی برده شد؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود در راستای دستیابی به اهداف کلان اقتصادی و مصونیت بخشی به اقتصاد کشور، به مجموعه تدابیر پیشنهادی ذیل عناوین نظام بانکی، نظام مالیاتی، حکمرانی منابع طبیعی، آب و انرژی، آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای و امنیت غذایی، که در قالب مفهوم تدبیر و دربردارنده پیشنهادهای سیاستی است، توجه ویژه شود.

کتابنامه

۱. اسمعیلی، م؛ کاظمی مقدم، ا؛ احمدی ثانی، س؛ حریری، ر؛ رفعتی، ح. ۱۳۹۶. «آسیب‌شناسی و نیازسنجی مدل تأمین اجتماعی ایران در راستای بهینه‌سازی فرایند». ششمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ تعمیق و تکمیل الگوی پایه پیشرفت. سیزدهم و چهاردهم اردیبهشت ۹۶. (<https://6cp.olgou.ir/papers.html>).
۲. اکبرپور، م؛ مهدوی دامغانی؛ ع. ویسی، ه. ۱۳۹۷. «ارتباط امنیت غذایی و امنیت ملی در مسیر پیشرفت کشور». هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی. نوزدهم و بیستم اردیبهشت ۹۷. (<https://7cp.olgou.ir/pa-pers.html>).
۳. اکبری افروزی، ر؛ اسماعیلی خوشمردان، ع. ۱۳۹۷. «شناسایی مؤدیان جدید مالیاتی و گسترش چتر مالیاتی از ضروریات اقتصادی تهیه الگوی تفصیلی پیشرفت». هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی. نوزدهم

- و بیستم اردیبهشت ۹۷. (<https://7cp.olgou.ir/papers.html>).
۴. ایزدخواستی، ح. ۱۳۹۶. «تحلیل نقش نظام مطلوب مالیاتی در تحقق عدالت اجتماعی در ایران؛ با تأکید بر ساختار مالیات‌ها». ششمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ تعمیق و تکمیل الگوی پایه پیشرفت. سیزدهم و چهاردهم اردیبهشت ۹۶. (<https://6cp.olgou.ir/papers.html>).
۵. آریان‌پور، و؛ محجوبی، ع؛ گلزاری، ا. ۱۳۹۶. «برنامه‌ریزی یکپارچه بخش‌های آب و انرژی برای دستیابی به توسعه پایدار در ایران». ششمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. سیزدهم و چهاردهم اردیبهشت ۹۶. (<https://6cp.olgou.ir/papers.html>).
۶. بزرگر، ا. ۱۳۹۷. «امنیت هویت پایه و عدالت پایه در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت». هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. نوزدهم و بیستم اردیبهشت ۹۷.
۷. بهبودی، د؛ متفکر آزاد، م؛ محمدزاده، پ؛ صادقی، ک؛ ممی‌پور، س. ۱۳۹۱. «صندوق توسعه ملی یا توزیع مستقیم درآمدهای نفتی (بررسی مقایسه‌ای)». فصلنامه مجلس و راهبرد. شماره ۷۱.
۸. بهبودی، د؛ محمدزاده، پ؛ جبرائیلی، س. ۱۳۸۸. «بررسی رابطه مصرف انرژی و تولید ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته». مطالعات اقتصاد انرژی. شماره ۲۳.
۹. پیغامی، ع. ۱۳۹۳. درس‌گفتارهای اقتصادی مقاومتی. تهران: سبحان دانشجویی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام). چاپ اول.
۱۰. جعفری صمیمی، ا؛ لعل‌خضری، ح. ۱۳۹۵. سلسله‌تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نقش اصلاح نظام مالیاتی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: نشر الگوی پیشرفت. چاپ اول.
۱۱. حاجی‌ناصری، س؛ کرد، ا. ۱۳۹۶. سلسله‌تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: امنیت اقتصادی؛ نقد الگوی نئولیبرالی توسعه در پرتو الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: نشر الگوی پیشرفت. چاپ اول.
۱۲. حسینی دولت‌آبادی، س. ۱۳۹۵. «ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی». دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی. پیاپی ۱۶. شماره ۲.
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۸۹. «ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «پدافند غیرعامل»».

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=16985> .20/4/1398

۱۴. _____ . ۱۳۹۷. «فراخوان برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت». <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=40693> . ۱۳۹۸/۴/۲۰.
۱۵. خداپرستی، ف. ۱۳۷۶. فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی. تهران: انتشارات دانشنامه فارس. چاپ اول.
۱۶. سلیمانی، ی؛ حسین زاده یزدی، س. ۱۳۹۵. «تبیین رویکردها و مؤلفه‌های سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بررسی موردی: تبیین بند دوازدهم سیاست‌ها: مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی». فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان. سال چهارم. پاییز ۱۳۹۵.
۱۷. شاداب‌فر، ا؛ شاداب‌فر، ب. ۱۳۹۶. «بررسی اثرات شفافیت در اقتصاد کشور». ششمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ تعمیق و تکمیل الگوی پایه پیشرفت. سیزدهم و چهاردهم اردیبهشت ۹۶. (<https://6cp.olgou.ir/papers.html>).
۱۸. قاسمی، ا. ۱۳۹۵. «امکان‌سنجی کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد ایران از واردات کالاهای اساسی از طریق تعامل اقتصادی با کشورهای اسلامی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۹. محمدی، ح. محمودی، م. ۱۳۹۷. «بررسی عوامل منتخب مؤثر بر مصرف انرژی‌های فسیلی با تأکید بر مصرف برق». هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. نوزدهم و بیستم اردیبهشت ۹۷. (<https://7cp.olgou.ir/papers.html>).
۲۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱۳۹۸. ارزیابی سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. شماره مسلسل ۱۶۴۵۸.
۲۱. مکنون، ر. ۱۳۹۷. «راهبردهای آب برای حفظ محیط زیست و توسعه ایران». هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. نوزدهم و بیستم اردیبهشت ۹۷. (<https://7cp.olgou.ir/papers.html>).
۲۲. موحدی بکنظر، م؛ نعمتی، م؛ رضائی، م. ۱۳۹۷. «فقه تعاملات اجتماعی؛ یا نگاهی نوبه روش، هدف و گستره موضوعی اقتصاد اسلامی در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت». هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. نوزدهم و بیستم اردیبهشت ۹۷. (<https://7cp.olgou.ir/papers.html>).
۲۳. نعمتی، م. ۱۳۸۷. «تغییر ساختار مدیریت بخش نفت؛ الزام مهم در تحقق اهداف سیاست‌های

- کلی اصل ۴۴». فصلنامه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. شماره ۶۰.
۲۴. نعمتی، م؛ کیایی، ح؛ انیسی آرانی، م. ۱۳۹۷. «اثر توزیع درآمدهای نفتی بر عدم توازن‌های منطقه‌ای در استان‌های منتخب و ارائه راهکارهایی برای اصلاح آن در چهارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت». هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. نوزدهم و بیستم اردیبهشت ۹۷. (<https://7cp.olgou.ir/papers.html>).
۲۵. یاوری، ک؛ احمدزاده، خ. ۱۳۸۹. «بررسی رابطه مصرف انرژی و ساختار جمعیت (مطالعه موردی کشورهای آسیای غربی)». مطالعات اقتصاد انرژی. شماره ۲۵.
26. FAO. 1996. "World Food Summit: Rome Declaration on World Food Security and World Food Summit Plan of Action. <http://www.fao.org/3/w3613e/w3613e00.htm>.
27. FAO. 2006. **Agricultural and Development Economics Division: EC-FAO Food Security Programme**. <http://www.fao.org/es/esa>.
28. Mackintosh, W. 1936. "Some Aspects of a Pioneer Economy". The Canadian Journal of Economics and Political Science. pp 436-457.
29. Lockwood, B2008/ .**Pareto Efficiency**. The New Palgrave Dictionary of Economics, Steven N. Durlauf & Lawrence E. Blume (Editors), Palgrave Macmillan Press, Vol. 6, PP. 292-295.
30. Briguglio, L. 2004 /**Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements**". In Briguglio, L. and Kisanga, E.J. (eds), Vulnerability and Resilience of Small States, Commonwealth Secretariat and the University of Malta.
31. merriam Webster Dictionary. <https://www.merriam-webster.com/>